

Analysis & evaluation of the book

" Teaching ESL/ EFL Reading and Writing in English "

Fatemeh Hajirahimi¹

Associate Professor, Department of Persian Language & Literature, open University, Al-Mustafa International University of Qom, Qom, Iran

Abstract

Reading and writing skills are considered four language skills that are included in the skill-oriented curriculum that has a combined and product-oriented nature. The present research, which was carried out in a descriptive-analytical method, analyzed the content and evaluated the important features of the book " Teaching ESL/EFL Reading and Writing in English as a second language/foreign language" by "Ian Stephen Paul Nation" is a professor of applied linguistics and a prominent writer from New Zealand. The mentioned book is basically an educational guide for teachers of English as a second language, which is based on two principles: 1. Practical emphasis on about one hundred teaching techniques. 2. Providing a balanced program to improve students' reading and writing skills. "P-Nation" includes this practice in a format of four branches, which are: meaning-oriented input, meaning-oriented output, language-oriented learning and psychological development. Using simple and fluent language, the author has designed a balanced language program that covers all four skills of listening, speaking, reading and writing, each of the four branches should take approximately the same amount of time. The organization of this book is basically a reflection of these four branches.

Key Words: Analysis, teaching, reading skills, writing skills, English language.

¹ Email: F.hajirahimi@mou.ir.

تحلیل و ارزیابی کتاب «روش تدریس مهارت‌های خواندن و نوشتن به زبان انگلیسی»

فاطمه حاجی رحیمی^۱

استاد همکار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مجازی، جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران.

چکیده

مهارت‌های خواندن و نوشتن از مهارت‌های چهارگانه زبانی تلقی می‌شوند که در برنامه درسی مهارت محور که ماهیتی ترکیبی و فرآورده محور دارد، قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته، به تحلیل محتوا و ارزیابی ویژگی‌های مهم کتاب «تدریس مهارت خواندن و نوشتن به زبان انگلیسی، به عنوان زبان دوم/ زبان خارجی» اثر «آی.اس. پی نیشن» استاد زبان‌شناسی کاربردی و نویسنده برجسته اهل نیوزلند پرداخته است. کتاب مذکور در اصل راهنمای آموزشی برای بهره‌گیری اساتید زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم تألیف شده که بر دو اصل استوار است: ۱- تأکید عملی بر حدود یکصد تکنیک تدریس. ۲- ارائه یک برنامه متعادل جهت ارتقای مهارت خواندن و نوشتن فراگیران. «پی نیشن» این عمل را در یک قالب چهار شاخه گنجانده است که عبارتند از: ورودی معنامحور، خروجی معنامحور، یادگیری زبان محور و توسعه روانی. نویسنده با بهره‌گیری از زبان ساده و روان یک برنامه زبانی متعادل طراحی کرده است که هر چهار مهارت شنیداری، صحبت کردن، خواندن و نوشتن را پوشش می‌دهد، هر کدام از چهار شاخه می‌بایست تقریباً زمان یکسانی را به خود اختصاص دهند. سازماندهی این کتاب در اصل بازتابی از این چهار شاخه می‌باشد.

کلید واژه‌ها: تحلیل، تدریس، مهارت خواندن، مهارت نوشتن، زبان انگلیسی.

¹ Email: F.hajirahimi@mou.ir.

۱. مقدمه

در اکثر نظام‌های آموزشی در سراسر جهان، رویکرد دانش آموز محوری، جایگزین رویکرد معلم محوری شده است. پویایی و خلاقیت دانش آموز و پرورش تفکر و استعداد وی، از مهمترین مختصات این نظام به شمار می‌آید. مطابق این رویکرد، معلم باید در جایگاه هدایت دانش آموزان برای یادگیری مطالبی افزون از محتوای کتب درسی قرار گیرد. بنابراین در چنین نظامی، گرچه کتاب‌های درسی ممکن است یکی از پرکاربردترین رسانه‌های آموزشی به حساب آیند، «صاحب نظران تعلیم و تربیت هیچ برنامه آموزشی را کامل و جامع نمی‌دانند مگر آنکه دانش آموزان افزون بر کتب درسی، از مجموعه کتاب‌های مناسب نیز سود جویند.» (احمدی فصیح، ۱۳۸۵: ۲۵) علاوه بر این ویژگی یک آموزش اندیشه ساز آن است که به آموزش چگونه اندیشیدن بپردازد زیرا افراد در سنین مختلف مهارت‌های گوناگونی کسب می‌کنند، به گونه‌ای که در هر دوره سنی وجود هر یک از این مهارت‌ها برای رشد و تکامل آنها ضروری می‌باشد. بر این اساس، اشکال در یک مهارت سبب اختلال در عملکرد کل نظام رشدی شده و در نهایت به ناهنجاری می‌انجامد. در نتیجه این توقع وجود دارد که یک فرد تحصیل کرده به منظور یادگیری ایده‌های نوین، عمق بخشیدن به درک و توانایی خود از این ایده‌ها و در نهایت نتیجه گیری مناسب از آنها، بتواند به دقت بخواند و بنویسد. در این خصوص «آی.اس. پی نیشن»، استاد زبانشناسی کاربردی در مدرسه زبانشناسی و مطالعات زبان کاربردی در دانشگاه ویکتوریا، در اثر خود تحت عنوان «روش تدریس مهارت خواندن و نوشتن به زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم / زبان خارجی» به دو ویژگی اصلی اشاره کرده است:

۱. تأکید عملی بر حدود یکصد تکنیک تدریس که در این کتاب توصیف شده‌اند.

۲. تلاش برای ارائه یک برنامه متعادل جهت ارتقاء مهارت خواندن و نوشتن فراگیران. همه این ویژگی‌ها در یک چارچوب به نام "چهار شاخه" قرار گرفته است.

علت اینکه این چارچوب را چهار شاخه نامیده‌اند این است که در کل دوره آموزشی مدنظر قرار گرفته شده‌اند. این چهار شاخه عبارتند از:

۱. ورودی معنا محور؛ ۲. خروجی معنا محور؛ ۳. یادگیری زبان محور؛ و ۴. توسعه روانی.

در یک برنامه زبانی متعادل همه این چهار شاخه در چهار مهارت اصلی زبان (شنیدن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن) به خوبی پوشش داده شده‌اند.

این نویسنده نیوزلندی در واقع کتاب را برای اساتید زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم یا زبان خارجی به نگارش در آورده است. این کتاب می‌تواند همچنین برای معلمان با تجربه و معلمانی که دوره آموزشی خود را می‌گذرانند، مورد استفاده قرار گیرد. در اوایل این کتاب در دوره‌های آموزشی کارشناسی ارشد و کارشناسی برای معلمانی که دوره آموزشی خود را می‌گذرانند، استفاده می‌شد.

نویسنده کتاب را در ۱۰ فصل به زبان ساده و روان به نگارش در آورده است و تلاش کرده تا حد امکان از به کارگیری واژه‌های فنی جلوگیری کند. اگر چه در موارد اندکی واژه‌های فنی که در ضمن متن آمده، مانند آواها، نوع موضوع و گسترده خوانی توضیح داده شده‌اند. در فصل نخست، مهارت خواندن در زبان اول و دوم مقایسه شده است. شش فصل آغازین در رابطه با مهارت خواندن می‌باشد و چهار فصل پایانی در رابطه با نگارش نویسی آمده است. فصل‌های دو و سه بر روی خواندن مقدّماتی تمرکز می‌کند. توجه ویژه‌ای به آواها شده و یک پیوست بسیار مفید در رابطه با روابط آوا و املا وجود دارد. فصل‌های چهار و پنج گسترده خوانی و روانی را بررسی می‌کند. فصل شش در رابطه با ارزیابی خواندن می‌باشد و توجه خاصی به دلایل آزمون گیری دارد. فصل هفت طیفی از

راه‌های پشتیبانی از نگارش نویسی را نمایش می‌دهد و در فصل‌های هشت و نه، فرایند نگارش نویسی بررسی می‌شود. فصل ۱۰ بازه‌ای از روش‌هایی که می‌توان برای پاسخ به یک کار نگارشی استفاده کرد، را بررسی می‌کند.

کتاب مذکور را صابر کریمی و محمدجواد بلوری قهجاورستانی ترجمه کرده و انتشارات اودیسه آن را در سال ۱۴۰۰ چاپ و منتشر کرده است.

پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته، به تحلیل محتوا و ارزیابی ویژگی‌های مهم کتاب «روش تدریس مهارت خواندن و نوشتن به زبان انگلیسی، به عنوان زبان دوم/ زبان خارجی» اثر «آی.اس. پی نیشن» پرداخته است و درصدد پاسخ به پرسش‌های زیر است:

الف) آیا کتاب مذکور می‌تواند مهارت‌های چهارگونه زبان (خواندن، نوشتن، صحبت کردن، شنیدن) را در دانش آموزان تقویت کند؟
ب) کتاب مذکور تا چه اندازه توانسته است مهارت‌های اصلی زبان را در دانش آموزان تقویت کند؟
پژوهشی مرتبط با این کتاب تاکنون انجام نشده است.

۲. بحث و بررسی

خواندن، یکی از چهار مهارت اصلی زبان آموزی است. خواندن و شنیدن دو ورودی اصلی سیستم یادگیری زبان هستند، به همین سبب با تقویت خواندن، دیگر مهارت‌های زبان نیز بهبود پیدا می‌کنند. با اینکه خواندن متن‌های انگلیسی کار دشواری نیست، بسیاری از زبان آموزان در این مهارت ضعیف هستند یا از انجام آن می‌ترسند. در نگاه اول ممکن است موارد تقویت مهارت خواندن و نوشتن واضح و ساده به نظر رسد اما برخی از مردم از اهمیت خواندن و تأثیر آن بر نوشتن غافل می‌مانند. به کودکی فکر کنید که در حال یادگیری اولین زبان خود است. او تمام مدت به حرف زدن والدینش گوش می‌کند و این کار را ماه‌ها قبل از اینکه اولین کلماتش را به زبان بی‌آورد انجام می‌دهد. همانطور که گوش دادن برای گوینده بهتری شدن لازم است، خواندن نیز برای تقویت نوشتن امری ضروری به حساب می‌آید. اصولاً هر شخصی روشی خاص خود برای خواندن مطالب مختلف را دارد ولی «پی. نیشن» در کتاب خود روش‌هایی را پیشنهاد کرده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود و می‌توانند مهارت خواندن را تقویت کنند.

۱-۲. آموختن مهارت خواندن به زبان اول

همه افراد یاد می‌گیرند که در طیف گسترده‌ای از موقعیت‌های مختلف به زبان اول مطالبی را بخوانند. کودکان در سنین پایین با گوش دادن به داستان‌هایی که برای آنها خوانده می‌شود، و تعامل با بزرگترها و دیگران درباره داستانی که شنیده‌اند، برای یادگیری مهارت خواندن آماده می‌شوند. البته این کار با هدف آماده سازی کودکان برای فراگرفتن مهارت خواندن انجام نمی‌شود، بلکه والدین با هدف ایجاد تعامل، ابراز محبت و سرگرم کردن کودکان این کار را انجام می‌دهند. تعامل به این صورت است که بزرگترها از کودکان سوالاتی می‌پرسند مثلاً اینکه:

به نظر شما پایان داستان چه اتفاقی می‌افتد؟ یا از کودکان خواسته می‌شود با توجه به داستانی که برای‌شان خوانده شد، جمله‌ها را کامل کنند؛ درباره بخش‌های جالب یا ترسناک داستان صحبت کنند؛ و بطور کلی برایشان سرگرمی و تفریح دارد. وقتی کودکان بومی زبان آموختن مهارت خواندن را شروع می‌کنند، حجم انبوهی از واژه‌ها را از قبل با خود دارند و بیشتر واژه‌هایی را که در متن

می‌بینند مفهوم آنها را می‌دانند. همچنین به دستور زبان مادری خودشان تسلط دارند. آنها درباره کتاب‌ها و قراردادهای خواندن دانش فراوانی دارند چرا که داستان‌های زیادی برای آنها خوانده شده است. حالا خودشان خیلی مشتاق هستند که یاد بگیرند چطور بخوانند. آنها تحصیلات رسمی را از سن ۵-۶ سالگی آغاز می‌کنند. معلم و فراگیران با یک کتاب خیلی جالب و مصور و با زبانی نزدیک به زبان محاوره و جمله‌های کوتاه خواندن را آغاز می‌کنند. متن‌ها شامل مطالب تکراری و قابل پیش‌بینی هستند که با استفاده از روش‌ها و استراتژی‌های بسیار جالب تدوین و گردآوری شده‌اند. تکنیک‌های مورد استفاده برای آموزش مهارت خواندن بطور گسترده‌ای معنا محور هستند. یعنی به طور عمده به درک و لذت بردن از متن توجه شده است. هدف اصلی لذت بردن از بافت داستان است و به دانش واجی و صوتی (آوایی) کمتر توجه می‌شود. این تکنیک‌ها شامل خواندن گروهی (جمعی)، خواندن با راهنمایی، و خواندن مستقل می‌باشد. در ادامه به تکنیک‌های معمولی که برای آموزش مهارت خواندن به گویشوران بومی زبان استفاده می‌شود، اشاره می‌کنیم.

۱-۱-۲. گروه خوانی (Shared reading)

کودکان دور معلم می‌نشینند و او داستانی از یک کتاب بزرگ با تصاویر برجسته (Blown-up book) برای آنها می‌خواند و تصاویر و واژه‌های کتاب را به آنها نشان می‌دهد. معلم با پرسیدن سؤال‌هایی مانند به نظر شما در ادامه داستان چه اتفاقی می‌افتد؟ نظر شما در مورد داستان چیست؟ ذهن فراگیران را با متن خواندن درگیر می‌کند. هر جا که بتوانند با صدای بلند واژه‌ها را می‌خوانند. هدف از این فعالیت آن است که آموزش مهارت خواندن در فضایی شبیه قصه خواندن مادران در کنار تخت کودکانشان ایجاد گردد. از فراگیران درخواست می‌شود کتابی که باید برای آنها خوانده شود را انتخاب کنند و کتاب یکسانی ممکن است در یک فعالیت جمعی خوانی در موقعیت‌های مختلف استفاده شود. در خواندن‌های بعدی، انتظار می‌رود فراگیران خیلی بیشتر در خواندن شرکت کنند. سپس فراگیران می‌توانند نسخه کوچکتري از کتاب ... را بردارند و تنهایی یا دو نفری بخوانند. بعد از خواندن آنها باید با کشیدن نقاشی، نوشتن، و نمایش بازی کردن، داستان را بازگو کنند. کتاب مشترک یک فعالیت پرتعداد برای مهارت خواندن در نیوزیلند است و برای کودکان مقطع پیش دبستانی و دبستانی استفاده می‌شود. هدف از این فعالیت این است که فراگیر مهارت خواندن را نوعی سرگرمی تلقی کند. عنصر سرگرم کننده در خواندن، متن‌های جذاب، و تعامل معلم و فراگیر با استفاده از روش‌های پیش‌بینی کردن، نظر دادن در مورد داستان، و بازخوانی متن‌های مورد علاقه فراگیران می‌باشد.

۲-۲. خواندن هدایت شده (Guided reading)

این روش خواندن به این شکل است که یا در سکوت فراگیر برای خودش می‌خواند و یا کودک با صدای بلند برای دوست، والدین یا معلمش می‌خواند. قبل از خواندن فراگیر و معلم درباره کتاب با هم صحبت می‌کنند. تحقیقی که توسط ونگ و ام‌سی‌نوقتن (Wong & Mc Naughton) (۱۹۸۰) انجام شد، نشان داد که بحث‌های قبل از خواندن باعث می‌شود از همان ابتدا درصد بالایی از واژه‌ها اصلاح شود و همچنین خود اصلاحی صورت بگیرد. معلم و فراگیر به عنوان درس نگاه می‌کنند و مطمئن می‌شوند که همه واژه‌های عنوان آشنا و مفهوم هستند و ابهامی وجود ندارد. سپس درباره تصاویر متن با هم صحبت می‌کنند و پیش‌بینی می‌کنند که چه اتفاقی در متن خواهد افتاد و متن در مورد چه موضوعاتی به آنها اطلاعات خواهد داد.

همچنین در این مرحله فراگیران از دانش پیشین خود برای بحث کردن در مورد متن استفاده می‌کند. آنها دربارهٔ واژه‌های مهم متن هم صحبت می‌کنند اما لازم نیست به شکل نوشتاری واژه‌ها اشاره شود. پس لازم است قبل از خواندن متن دربارهٔ ایده‌ها و واژه‌های مهم متن بحث کنند تا ابهامات موجود برطرف گردد. سپس فراگیران شروع به خواندن متن می‌کنند.

اگر قرار است فراگیر متن را با صدای بلند برای معلم بخواند، پس بهتر است که از روش مکث، راهنمایی، تشویق (Pause, Prompt, Praise) استفاده شود. (کلین و دیگران ۱۹۸۹؛ اسمیت و الی (Glynn at al & Smith & Elley)، ۱۹۹۷: ۱۳۴-۱۳۶) در این روش وقتی فراگیر با واژه‌های جدید مواجه می‌شود معلم در پاسخ دادن و حل کردن معما عجله نمی‌کند، بلکه برای مدت کوتاهی سکوت می‌کند تا اینکه فراگیر فرصت کافی برای رسیدن به هدف را داشته باشد. اگر فراگیر همچنان به دنبال سرنخ است معلم حالا می‌تواند از طریق گفتن معنی داستان یا جمله و یا از طریق فرم واژه فراگیر را راهنمایی کند. در نهایت وقتی فراگیر واژه را صحیح خواند معلم او را تشویق می‌کند.

اگر فراگیر با چشم یا بی صدا متن را برای خودش بخواند، می‌توان بعد از خواندن بخشی از متن درباره آن بحث کرد و بخش بعدی متن را پیش‌بینی نمود.

۲-۳. خواندن مستقل (Independent reading)

در این روش فراگیر کتابی را برای خواندن انتخاب می‌کند و بی صدا آن را می‌خواند یا به عبارت دیگر چشم خوانی می‌کند. معلم هم در این فرصت می‌تواند متن را بخواند یا از یکی از فراگیران بخواهد که نزد او برود و متن را برایش بخواند. در کلاس‌های مقدماتی زمان مشخصی برای خواندن مستقل تعیین می‌شود. همچنین در این روش انتظار می‌رود فراگیران خارج از کلاس هم بتوانند مهارت خواندن را به طور مستقل انجام دهند.

یادگیری خواندن به یادگیری نوشتن و یادگیری از طریق شنیدن کمک می‌کند. در نوشتن هم مانند خواندن، معلم زبان به ارتباط پیام‌های متن تأکید دارد و انتظار می‌رود بعد از مدتی فراگیران بتوانند به انجام نگارش نرمال و قابل قبولی دست یابند. محققان، سنین بین ۶ تا ۷ سال را بهترین سن فراگیری مهارت خواندن تشخیص داده‌اند. آموزش مهارت‌های زبانی در سنین پایین‌تر می‌تواند تأثیر سوء داشته و نتایج عکس به همراه داشته باشد.

۳. یادگیری مهارت خواندن به زبان دیگر

عوامل مختلفی میزان سختی یادگیری مهارت خواندن به زبان دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به یک نمونه توجه کنید. «تای» یک زبان آموز سطح مقدماتی زبان انگلیسی است. او ۱۲ سال دارد و می‌تواند متون تایلندی را خیلی خوب و روان بخواند. زمانی که زبان آموز تایلندی شروع می‌کند به آموختن زبان انگلیسی دایره لغات او بسیار محدود است. فراگیر از وجود وام‌واژه‌های انگلیسی در زبان تایلندی بی‌اطلاع است. لذا محتوای آموزشی خواندن مقدماتی برای زبان آموزان خارجی باید بسیار کنترل شده عمل کند، چرا که فراگیران بومی زبان انگلیسی با اندوخته تقریباً ۵۰۰۰ واژه در ذهن به کلاس می‌آیند و مطمئناً این تعداد واژگان را فراگیران غیر بومی ندارند.

فراگیر تایلندی قبل از اینکه خواندن متن را آغاز کند، ممکن است به آماده سازی و پیش تدریس بیشتری نیاز داشته باشد. موارد مذکور همه کاستی‌ها و ضعف‌های فراگیر تایلندی بود. اما در کنار این کاستی‌ها او نقاط قوتی هم دارد.

اول آنکه او از قبل به زبان تایلندی متونی را خوانده است و با مهارت خواندن آشنایی دارد. زبان تایلندی یک زبان الفبایی است بنابراین فراگیران تایلندی از قبل با اصول الفبایی آشنا هستند. یعنی می‌دانند که حروف نمایانگر اصوات هستند و در کنار هم واژه‌ها را می‌سازند. حروف الفبای تایلندی شبیه حروف الفبای انگلیسی نیست به همین دلیل فراگیران تایلندی باید زمانی را صرف یاد گرفتن شکل صحیح الفبای انگلیسی کنند. در صورتی که فراگیران ایتالیایی چنین مشکلی را ندارند چرا که حروف الفبای آنها به میزان قابل توجهی شبیه الفبای انگلیسی است.

دوم، اگر فراگیر تایلندی در خواندن به زبان تایلندی خوب است، فراگیر استراتژی‌های زیادی را می‌داند مانند مهارت حدس زدن، کلی خوانی، خواندن برای جزئیات سرعت خواندن در زبان اول می‌تواند به زبان دیگر هم انتقال داده شود به شرطی که مواد آموزشی مناسب موجود باشد. (بیسموکو و نیشن ۱۹۷۴؛ کرامر، ۱۹۷۵) (Bismoko & Nation, Cramer)

سوم، مهارت خواندن یک فعالیت ارزشمند و لذت بخش در جامعه تایلند است، بنابراین نگرش‌های مثبتی از خواندن در زبان اول وجود دارد که فراگیر آن را به زبان انگلیسی هم انتقال می‌دهد.

چهارم اینکه یک فراگیر ۱۲ ساله خیلی بیشتر از یک فراگیر ۵ ساله قادر به یادگیری است. فراگیر ۱۲ ساله مهارت‌های شناختی پیشرفته‌تری دارد و قادر به یادگیری دستورالعمل‌های مستقیم می‌باشد.

۴. اصول تدریس مهارت خواندن

اصول زیر راهنمایی است جهت تمرین مهارت خواندن:

۴-۱. ورودی معنا-محور

الف. تمرین و آموزش مهارت خواندن باید برای دسترسی به اهداف مهارت خواندن انجام شود. یک دوره آموزشی خواندن باید این اهداف را پوشش دهد. خواندن برای جستجوی اطلاعات (شامل کلی خوانی و جزئی خوانی اسکن)؛ خواندن برای یادگیری؛ خواندن برای سرگرمی؛ خواندن برای کامل کردن اطلاعات (ادغام اطلاعات)؛ خواندن برای نقد کردن متن؛ و خواندن برای نوشتن.

ب. فراگیران متونی را باید بخوانند که محتوای آنها با سطح مهارت زبانی شان تناسب داشته باشد. دوره آموزشی باید یک محتوای خواندن مناسب با سطح زبان آموزان را، به ویژه برای فراگیران مبتدی، ارائه دهد.

ج. مهارت خواندن باید با هدف ارتقا سطح زبانی انجام شود. فراگیران باید ۹۸ درصد متن را درک کنند و ۲ درصد بقیه را از بافت حدس بزنند.

۴-۲. خروجی معنا-محور

مهارت خواندن باید با مهارت‌های زبانی دیگر مرتبط باشد. دوره آموزشی باید فعالیت‌های شنیدن، صحبت کردن و نوشتن مرتبط با مهارت خواندن را هم در برگیرد. (سیمکاک، ۱۹۹۳: ۱۰۱) (Simcock) از روش پرسش و پاسخ و چند روش دیگر استفاده کرده است.

۴-۳. یادگیری زبان محور

باید به فراگیران کمک کرد تا بتوانند مهارت‌ها و دانش لازم برای خواندن مفید و مؤثر را در خود ارتقا دهند. دوره آموزشی باید روی زیر مهارت‌های خواندن و دانش زبانی لازم برای مهارت خواندن از جمله فعالیت آگاهی آوایی، آواشناسی، و تمرین هجی کردن، یاد گرفتن واژه با استفاده از فلش کارت‌ها، و مطالعه دستور زبان کار کند. برخی از این فعالیت‌ها از طریق خواندن متمرکز انجام می‌شوند. طیف وسیعی از استراتژی‌های خواندن باید به فراگیران آموزش داده شود. این استراتژی‌ها می‌توانند شامل بکارگیری دانش قبلی، پیش‌بینی کردن، سؤال‌نماها، متصل شدن به اطلاعات قبلی، توجه کردن به ساختار متن، حدس زدن معنای واژه‌ها به کمک بافت، نقد کردن و تامل در متن باشد.

فراگیران باید انواع استراتژی‌های خواندن را یاد بگیرند و تمرین کنند تا بتوانند در موقعیت‌های مختلف خواندن، آنها را با هم ادغام کنند. فراگیران باید با انواع مختلف ساختار متن مانند گزارش‌های روزنامه‌ای، داستان، گزارش‌های اطلاعاتی و بازگویی آشنا شوند.

۴-۴. پیشرفت روانی

الف. فراگیران باید به سمت روان‌خوانی ترغیب شوند. لازم است که آنها مواد آموزشی آشنا و فاقد ویژگی‌های زبانی ناآشنا را بخوانند. خواندن با هدف تشخیص دادن واژه و خواندن برای درک مطلب، تمرینی است برای سریع خواندن. از جمله تمرین‌های مناسب برای بالا بردن سرعت خواندن می‌توان به فعالیت‌های خواندن سریع، خواندن همراه با تکرار، خواندن دو نفری، کلی خواندن، اجمالی خواندن اشاره کرد.

ب. فراگیران باید برای خواندن انگیزه داشته باشند و از آن لذت ببرند. آنها باید به متون جذاب دسترسی داشته باشند و با فعالیت‌هایی چون گوش دادن به داستان، خواندن مستقل، خواندن دو نفری مهارت خواندن‌شان درگیر شود. کودکان بومی زبان به خواندن داستان‌های ترسناک، خنده دار و کارتونها، کتاب‌هایی در مورد ورزش و مجله‌هایی با موضوع فرهنگ‌های متداول و رایج علاقمند هستند. (ورسی، مورمن و ترمن، ۱۹۹۹) (Worthy, Moorman, Turner) این نوع متن‌ها معمولاً در کتب آموزشی مدرسه یافت نمی‌شود.

ج. فراگیران باید زیاد متن بخوانند.

۵. فراگیری تشخیص واژه و هجی کردن آن

یکی از بخش‌های ضروری مهارت خواندن این است که فراگیر قادر باشد صورت نوشتاری واژه را به صورت محاوره‌ای و معنی آن ربط دهد. لازمه این کار تشخیص واژه‌های آشنا و کشف کردن واژه‌های ناآشنا است.

۵-۱. نکته‌های ضروری برای خواندن رسمی

برای بهرمند شدن از فواید آموزش قواعد هجی کردن لازم است فراگیران به نکته‌های زیر بسیار توجه کنند:

۱. برخی از شکل‌های حروف را بدانند.

۲. بدانند که واژه‌ها از اصوات جدا تشکیل شده‌اند.

۳. قراردادهای نگارش انگلیسی را بدانند. (مثلاً زبان انگلیسی از چپ به راست نوشته می‌شود)

۴. آشنایی با شکل محاوره‌ای واژه‌هایی که در مراحل ابتدایی خواندن با آن مواجه می‌شوند.

۵-۱-۱. آموختن حروف

فراگیری که سیستم نگارشی زبان مادری‌شان به جز در چند مورد از قواعد هجی کردن اصوات با زبان دوم تفاوت چندانی ندارد نیاز به صرف وقت زیاد جهت آموختن فرم نوشتاری حروف الفبا ندارند؛ مانند حروف الفبای زبان‌های تایلندی و انگلیسی. اما فراگیران زبان ژاپنی لازم است که وقت بیشتری را صرف آموختن نحوه نوشتن حروف الفبای انگلیسی کنند. تمرین‌های پیشنهادی جهت آموزش حروف الفبا عبارتند از: تکرار تمرین نوشتن حروف (چند بار از روی حروف بنویسند) نوشتن تأخیری (ابتدا حروف را ببینند و سپس با استفاده از تصویری که از آنها در حافظه باقی است شروع به نوشتن کنند) (هیل، ۱۹۶۹)؛ وصل کردن حروف مشابه با استفاده از فلش کارت‌ها؛ و دیکته حروف.

حروف مشابه (p,d,b,g) باید بطور همزمان تدریس شوند، زیرا ممکن است در یادگیری آنها تداخل ایجاد شود. در این بخش حتی بد نیست کمی هم با الگوهای مختلف نگارش حروف (نحوه نوشتن حروف س، ش، و ... در زبان فارسی) آشنا شوند، این عمل برای شکسته نویسی و روان نویسی فراگیران مفید است.

۵-۱-۲. آگاهی آوایی (Phonetic awareness)

آگاهی آوایی دانشی است که می‌گوید واژه‌ها از اصوات جداسدنی ساخته شده‌اند. افراد بی‌سواد و افراد بالای ۷-۶ سال، آگاهی آوایی دارند اما باید بررسی شود. اما کودکان ۴-۶ سال باید آزمون آگاهی آوایی بدهند و در صورت نیاز فعالیت‌های آگاهی آوایی را انجام دهند. شناخت آوایی و دانش حروف دو تا از بهترین فاکتورهایی هستند که پیش‌بینی می‌کنند کودکان زبان اول تا چه اندازه خوب و با چه آمادگی می‌توانند وارد مدرسه شوند و در دو سال اول مدرسه مهارت خواندن را خوب یاد بگیرند. شناخت آوایی می‌تواند تأثیر مثبت طولانی مدتی بر هجی کردن داشته باشد. در اکثر موارد فراگیران زبان انگلیسی نیاز به تمرین‌ها و فعالیت‌های لازم جهت تقویت سطح آگاهی واژگانی ندارند، زیرا این دانش را از قبل در زبان اول کسب کرده‌اند.

۵-۱-۳. قراردادهای نگارشی

زبان‌های مختلف قراردادهای نگارش متفاوتی دارند. زبان انگلیسی هم قراردادهای نگارشی خاص خود را دارد.

۱. حروف از چپ به راست نوشته می‌شوند.

۲. بین واژه‌ها فاصله وجود دارد.

۳. جمله‌ها با حروف بزرگ شروع می‌شوند و در نهایت نقطه، علامت سؤال و یا تعجب گذاشته می‌شود.

در مرحله آغازین خواندن لازم است که با گرفتن آزمونی میزان دانش فراگیران از قواعد و قراردادهای نگارشی زبان مقصد سنجیده شود، سپس در صورت نیاز به آنها اشاره شود و توضیحات لازم توسط کتاب یا معلم برای فراگیران ارائه گردد.

۶. زبان گفتاری مهارت خواندن

فراگیران زمانی که شروع به یادگیری مهارت خواندن می‌کنند دانش و تجربه خواندن زیادی دارند و تنها کافی است روی مقادیر کمی از اطلاعات جدید تمرکز کنند. رویکرد سیلویا آشتوو- وارنر، (۱۹۶۳)، نمونه بسیار خوبی از این نوع تدریس است. او این رویکرد را برای آموزش خواندن به کودکان بومی زبان به کار برد که در ادامه به مراحل مختلف آن می‌پردازیم:

۱. از زبان آموزان خواسته می‌شود از اتفاقی که اخیراً برای آنها افتاده یا هر چیز جالب دیگری تصویر بکشند.

۲. یکی یکی نقاشی‌ها را به معلم می‌دهند و توضیح می‌دهند که این نقاشی درمورد چیست.

۳. معلم جمله‌های زبان آموزان را بدون هیچ تغییر و کم و کاستی زیر تصاویر می‌نویسند.

۴. این متن، متن خواندن آن روز فراگیر را تشکیل می‌دهد و او می‌تواند متن را برای معلم و سپس دوستان و والدینش بخواند.

۵. تصاویر و متن‌هایی که توسط فراگیران نوشته می‌شوند، جمع‌آوری و تبدیل به یک کتاب خواندن شخصی برای آنها می‌شود. نکته مهم در این رویکرد این است که دانش لازم برای خواندن و درک کردن این نوع متن‌ها از تجربه خود فراگیران به دست آمده است. ایده، واژه‌ها، جمله‌های متن و سازماندهی متن همه از سوی خود فراگیران است.

این امکان وجود دارد که فراگیر بدون اینکه قادر به صحبت کردن به زبان مقصد باشد، بتواند به زبان مقصد بخواند. اما آموختن مهارت خواندن در صورتی که همراه با داشتن کنترل صحبت کردن بر ویژگی‌های زبانی باشد بسیار آسانتر اتفاق می‌افتد. به هر حال فراگیران بومی زبان هنگامی که خواندن را آغاز می‌کنند حدود ۵۰۰۰ واژه گفتاری می‌دانند در صورتی که این تعداد در فراگیران غیر بومی زبان بسیار ناچیز است. پس اگر قرار است از متون خواندن ویژه فراگیران بومی زبان برای آموزش به فراگیران زبان دوم استفاده شود باید از نظر بسامد واژه‌های آشنا و مفید بررسی شوند. متن نباید شامل واژه‌های ناآشنا و غیر ضروری باشد.

۷. خواندن متمرکز (Intensive reading)

خواندن به روش متمرکز، دانش ویژگی‌های زبانی و میزان کنترل بر استراتژی‌های خواندن را در فراگیر افزایش می‌دهد. این روش همچنین مهارت درک مطلب فراگیران را ارتقا می‌دهد. روش کلاسیک برای خواندن متمرکز، رویکرد دستور ترجمه است که معلم برای توضیح متن از زبان اول استفاده می‌کند و جمله به جمله متن را توضیح می‌دهد. این روش خواندن مزایا و معایبی دارد که به آنها اشاره می‌کنیم.

روش خواندن فشرده در بدترین حالت خود، روی متن خاصی متمرکز می‌شود که به ویژگی زبانی متن و اینکه آیا آنها برای خواندن متن‌های بعدی هم مفید هستند یا خیر هیچ‌گونه توجهی نشود. یکی از اهداف این روش درک متن است. معلم برای درک بهتر فراگیران، متن را ترجمه می‌کند. ترجمه متن توسط معلم و سپس توسط فراگیران این اطمینان را برای معلم ایجاد می‌کند که آنها متن را فهمیده‌اند. هدف دیگر این روش این است که مشخص شود چه ویژگی‌های زبانی در دوره آموزشی مورد توجه قرار خواهند گرفت. به عبارت دیگر ویژگی‌های زبانی برجسته در هر متن، برنامه زبانی آن دوره آموزشی را تشکیل می‌دهند. هدف دوم چند جنبه مثبت دارد. اول اینکه، ویژگی‌های زبانی در بافت منسجم از یک متن قرار گرفته‌اند. متن نشان می‌دهد که چطور ویژگی‌های زبانی به اهداف ارتباطی متن کمک می‌کند. این روش فراگیران را برای انجام تکلیف‌ها و فعالیت‌های نگارشی آماده می‌کند.

دوم اینکه، انتخاب ویژگی‌های زبانی با این روش می‌تواند از تداخل آیتم‌های واژگانی یا ویژگی‌های دستوری جلوگیری کند. اما اینکه اجازه دهیم متن‌ها ویژگی‌های زبانی یک دوره آموزشی را مشخص کنند جنبه‌های منفی هم دارد. یعنی، واژه‌های پر بسامد و کم بسامد؛ موارد دستوری تکراری، با قاعده و بی‌قاعده به یک اندازه مورد توجه قرار می‌گیرند.

اگر خواندن متمرکز به روش صحیح انجام شود، عمده تمرکز بر روی آیتم‌هایی است که بیشترین بسامد و تکرار را در طیف وسیعی از متن‌ها دارند. معلم باید این سؤال را بپرسد که "چطور تدریس امروز یادگیری متن فردا را آسان‌تر می‌کند؟" چهار روش برای کاربرد این اصل مهم وجود دارد.

۱. مرکز روی آیتم‌های پر بسامد.

۲. تمرکز روی استراتژی‌هایی که در اکثر متن‌ها قابل استفاده هستند.

۳. نادیده گرفتن موارد کم بسامد و بدون کاربرد.

۴. اطمینان حاصل کردن از اینکه آیتم‌ها و استراتژی‌های مشابه در چند متن مختلف مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۷-۱. کانون توجه در خواندن متمرکز

خواندن به روش متمرکز جنبه‌های خاصی از ویژگی‌های زبانی را برجسته می‌کند.

۱. درک. هدف از خواندن متمرکز می‌تواند درک یک متن خاص باشد.

۲. روابط هجی کردن اصوات با قاعده و بی قاعده. این جنبه از خواندن متمرکز می‌تواند از طریق تدریس آواشناسی، قواعد هجی کردن، و بلند خوانی انجام شود.

۳. واژه. جلب کردن توجه فراگیران به واژه‌های مفید، معانی اساسی و اصلی و توضیح دادن کاربرد آنها.

۴. دستور زبان. توضیح و تحلیل ویژگی‌های دستوری مشکل.

۵. پیوستگی. فراگیران مطالبی همچون: مرجع ضمیرها در متن چیست؟ روابط پیوستگی جمله چیست؟ و اینکه واژه‌های مختلف چطور برای بیان مفاهیم مشابه بکار می‌روند، را تمرین می‌کنند.

۶. ساختار اطلاعاتی (Information Structure). متن‌های معین اطلاعات معینی را دربر می‌گیرند. به عنوان مثال یک گزارش روزنامه‌ای مطالبی چون: چه اتفاقی می‌افتد، چرا آن حادثه رخ می‌دهد؟ چه کسی یا کسانی در آن اتفاق دخیل بودن، چه موقع و کجا آن اتفاق رخ داده است؟ و ... را توصیف می‌کند. این روش به فراگیران کمک می‌کند که بتوانند انواع مختلف اطلاعات را توصیف کنند.

۷. ویژگی‌های سبک (Genre Features). ویژگی‌های دستوری و واژگانی؛ ویژگی‌های انسجامی؛ و اطلاعات همه و همه به تأثیرات ارتباطی متن کمک می‌کند. روش خواندن متمرکز این مطلب که "چطور اهداف ارتباطی متن از طریق این ویژگی‌های زبانی حاصل می‌شود و این اهداف ارتباطی چه هستند"، مورد توجه قرار می‌دهد.

۸. راهبردها. خواندن متمرکز به فراگیر کمک می‌کند که سطح راهبردهای مفید خواندن را در خود ارتقا دهد. با استفاده از روش خواندن متمرکز فراگیران می‌توانند مراحل حدس زدن از روی بافت، استفاده از فرهنگ لغت، ساده کردن جمله‌ها سخت، و یادداشت برداری را تمرین کنند و یاد بگیرند. آنها همچنین می‌توانند بسته‌های جامع آموزش استراتژی‌ها را دریافت کنند.

بحث کردن در مورد متن و توضیح دان متن لازم نیست به زبان اول باشد اما استفاده از زبان اول توضیح مطالب را خیلی آسانتر می‌کند. استفاده از روش تدریس خواندن متمرکز به فراگیر کمک می‌کند که ویژگی‌های زبانی خاصی را یاد بگیرد و یا از وجود آن ویژگی‌ها آگاه شود و بتواند در خواندن متون بعدی مورد توجه قرار دهد و در نتیجه در آینده شانس یادگیری بیشتری داشته باشند.

۷-۲. ویژگی‌های یک تکلیف خواندن متمرکز خوب

۱. یک تکلیف خواندن خوب بیشتر سعی می‌کند توجه فراگیر را به سمت ویژگی‌های متن که در متن‌های دیگر هم هست و نیز استراتژی‌های به کار گرفته شده در متن‌ها معطوف کند. هدف آن ارتقاء سطح توانایی فراگیر برای درک متن‌ها است نه

راهنمایی کردن فراگیر برای فهمیدن یک متن یا پیام خاصی در متن. اگر تکلیف خواندن بر روی ویژگی‌های قابل تعمیم یک متن متمرکز نشود فرصت یادگیری مفید و جمع بندی شده برای فراگیر فراهم نخواهد شد.

۲. یک تکلیف خواندن خوب توجه فراگیر را به متن خواندن معطوف می‌کند. یعنی برای انجام دادن تکلیف لازم است که فراگیر متن یا حداقل بخشی از متن را حتما بخواند.

۳. یک تکلیف خواندن خوب اطلاعات مفیدی را برای کنش فراگیر جهت انجام تکلیف، در اختیار معلم و فراگیر قرار می‌دهد. وقتی فراگیر نتواند بخشی از تکلیف را انجام دهد، در عوض به این تجربه و آگاهی دست می‌یابد که چه چیزی را باید یاد بگیرد تا بتواند تکالیف را انجام دهد. در نتیجه تکلیف متن‌های بعدی را با موفقیت بیشتری انجام می‌دهد. همچنین معلم از کنش فراگیر تجربه‌ای بدست می‌آورد که در تدریس بعدی خود روشش را اصلاح کند. تکلیف خوب بازخورد مفیدی را برای معلم و فراگیر ایجاد می‌کند.

۸. سریع خواندن

در این بخش بطور مختصر به "خواندن سریع" اشاره می‌کنیم. معلم زمان را بر اساس ثانیه و دقیقه روی تابلو می‌نویسد.

ثانیه	دقیقه
۰۰	۰
۱۰	۱
۲۰	۲
۳۰	۳
۴۰	۴
۵۰	۵

از فراگیران خواسته می‌شود متن را برای خودشان بخوانند. فراگیران پس از خواندن متن کوتاه (۵۰۰-۶۰۰ واژه)، زمانی که طول کشیده است تا متن را بخوانند، یادداشت می‌کنند. سپس به متن بر می‌گردند و به سؤال‌های درک مطلب پاسخ می‌دهند. در نهایت معلم کلید پاسخ‌ها را به آنها می‌دهد تا به پاسخ‌هایشان نمره بدهند. فراگیران زمان را به واژه تبدیل می‌کنند و در دفتر یادداشت خود می‌نویسند. (در هر دقیقه چند واژه خوانده‌اند) سپس معلم یادداشت‌ها را می‌بیند، و با توجه به نتایج بدست آمده برای هر فراگیر نظر می‌دهد و آنها را راهنمایی و تشویق می‌کند. این فعالیت دو تا سه بار در هفته به مدت هفت هفته تکرار می‌شود تا ۲۵ متن خوانده شود. این دوره آموزشی برای گویشوران غیر بومی زبان انگلیسی در نظر گرفته شده است.

۸-۱. سریع خواندن چه فایده‌ای دارد؟

اما حالا این سؤال پیش می‌آید که آموزش خواندن سریع چه فایده‌ای برای زبان آموز دارد؟ وقتی افراد شروع به خواندن می‌کنند سه نوع عمل را با چشمانشان انجام می‌دهند:

۱. خیره شدن به واژه‌های خاص.

۲. ساکاد (Saccades) یا جهش به آیتم بعدی و تمرکز روی آن.

۳. برگشت. (برگشتن به آیتم‌ها و مواردی که قبلاً دیده شده است)

به عبارت دیگر می‌توان گفت هنگام خواندن، چشم‌های خواننده حرکت ممتد و آرام بر روی تمام واژه‌ها ندارد و مرتب از واژه‌ای به واژه دیگر در حال جهش است. راینر (Rayner) (۱۹۹۸) تحقیقات گسترده‌ای در حوزه حرکات چشم و تکنولوژی ردیابی چشم انجام داده است. یک خواننده ما هر دقیقه حدود ۲۵۰-۳۰۰ واژه می‌خواند، که البته سرعت خواندن با توجه به فاکتورهای میزان سختی متن و هدف متن متفاوت خواهد بود. فراگیر از هر ۱۰۰ واژه، ۹۰ واژه را با دقت (خیره) نگاه می‌کند. اکثر واژه‌ها جزء واژه‌هایی هستند که فراگیر آنها را دقیق نگاه کرده است که البته درصد بالایی از این واژه‌ها کلمه‌های محتوایی/ قاموسی (Content Words) هستند و درصد کمتری از آنها کلمه‌های نقش نما (Function Word) (حروف اضافه، حروف ربط، را نشانه مفعول و...) هستند. سرعت نرمال برای خواندن شفاهی، ۱۵۰ واژه در هر دقیقه؛ سرعت خوب برای خواندن با چشم، ۲۵۰ واژه در هر دقیقه؛ سرعت مناسب برای کلی خواندن ۵۰۰ واژه در هر دقیقه است. این سرعت‌ها برای فراگیران زبان دوم یا خارجی که یک محتوای خواندن بدون واژه و دستور ناآشنا و دشوار را می‌خوانند قابل قبول است. اما سریع خواندن مزایا و مضراتی هم به دنبال دارد.

ترغیب کردن فراگیر به تند خوانی باعث ایجاد استرس می‌شود. استرس باعث می‌شود فراگیر لذت کافی از خواندن متن نبرد در حالی که هدف اصلی از مهارت خواندن لذت بردن از متن است. از طرفی آهسته خواندن با سرعتی خیلی کمتر از ۱۰۰ واژه در دقیقه اثرات منفی بر درک مطلب دارد. سریع خواندن در زبان اول قابل انتقال به زبان دوم است. یعنی وقتی فراگیر توانش خواندن سریع به زبان اول را یادگرفته است و این توانش را دارد، پس قادر به انتقال این توانش به زبان دوم هم هست و می‌تواند این زبان را هم سریع بخواند. از دیگر مزایای آن داشتن فرصت کافی برای دوباره خواندن متن به ویژه بخش‌های اصلی و مهم متن است.

۸-۲. چگونه سرعت خواندن شفاهی را افزایش دهیم؟

بلند خواندن (Reading aloud) برای فراگیران زبان دوم چندان مطلوب نیست، زیرا ممکن است از روش صحیح بلند خوانی در کلاس استفاده نکنند. در حالی که این روش برای بومی زبانان بسیار ضروری و مفید است. خواندن به شیوه‌های گروهی، دونفری، تکرار کردن و... بیشتر توصیه شده است.

خواندن با تکرار (Repeated reading) نقطه قوت این روش آن است که بخش‌های مشکل متن چندین بار تکرار می‌شود و فراگیران می‌توانند بر مشکلات خواندن خود غلبه کنند و در نهایت نه تنها مشکل خواندن صحیح بلکه روانی و سلیس بودن آنها نیز تقویت می‌شود.

خواندن دو نفری (Paired reading) معلم از فراگیران می‌خواهد که دو نفری با هم خواندن متن را تمرین کنند. یک فراگیر قوی با یک فراگیر ضعیف تمرین را آغاز می‌کنند. فراگیر ضعیف‌تر همراه با فراگیر قوی‌تر متن را تکرار می‌کند و سعی می‌کند سرعت خواندن‌شان همان سرعت خواندن فراگیر قوی‌تر باشد. اگر فراگیر ضعیف واژه‌ای را اشتباه بخواند فراگیر قوی سریع آن را بدون توضیح اضافه اصلاح می‌کند و... این فعالیت حدود ۱۵ تا ۳۰ دقیقه طول می‌کشد. این روش باید قبلاً برای فراگیران آموزش داده شود تا اینکه بتوانند به روش صحیح این فعالیت را انجام دهند. تحقیق روی این فعالیت در فراگیران بومی زبان نشان داد که دقت و درک

فراگیران پیشرفت قابل توجهی داشته است. مربیان هم پیشرفت‌هایی در مهارت خواندن‌شان داشته‌اند. (راسینسکی و هافمن Rasinisky & Hoffman, ۲۰۰۳؛ تاپینگ، ۱۹۸۹)

خواندن ۲/۳/۴ تطبیقی است از فعالیت صحبت کردن ۴/۳/۲ برای بلند خواندن. (نیشن، ۱۹۸۹)

هر فراگیر یک متن برای خواندن دارد. متن‌ها می‌توانند مشابه باشند اما برای اینکه برای شنونده جالبتر و برای کلاس مناسبتر باشد، بهتر است متن‌ها متفاوت انتخاب شوند. فراگیران به دسته‌های دو نفری تقسیم می‌شوند. یک نفر شنونده و یک نفر خواننده متن است. معلم می‌گوید: شروع؛ در هر گروه خواننده‌ها برای شنونده‌ها می‌خوانند. بعد از ۴ دقیقه معلم می‌گوید تمام و خواننده‌ها خواندن را متوقف می‌کنند. سپس خواننده‌های گروه‌ها جابه‌جا می‌شوند و متن را در ۳ دقیقه برای شنونده جدید می‌خوانند. دوباره خواننده گروه تغییر می‌کند و این بار متن را در ۲ دقیقه برای شنونده جدید می‌خواند. به فراگیران گفته می‌شود که در هر بار خواندن متن باید سعی کنند مقدار یکسانی از متن را برای شنونده‌ها بخوانند، اگر چه مدت زمان خواندن کمتر می‌شود (از "۴ به "۲ می‌رسد). در هر بار خواندن، خواننده متن می‌تواند مقدار متنی را که خوانده را با مداد علامت بزند. سپس بخشی از زمان کلاس را به بلند خوانی اختصاص می‌دهند. فراگیران متن را برای همدیگر می‌خوانند یا یک نفر برای بقیه می‌خواند. داستان باید ساده شود و خواننده می‌تواند برای جالب‌تر کردن متن تمرکز کند. مثلاً او می‌تواند متن را ضبط کند تا بقیه به آن گوش دهند.

۹. نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تحلیل و ارزیابی کتاب «روش تدریس مهارت‌های خواندن و نوشتن در زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم و زبان خارجی» اثر آی. اس. پی نیشن، استاد زبانشناسی کاربردی و اهل نیوزلند است. نویسنده، کتاب را در ۱۰ فصل و با زبان ساده و روان به نگارش درآورده است. کتاب دو ویژگی عمده دارد. در ابتدا قویاً تأکید بر روی کارهای تجربی دارد- در حدود یکصد تکنیک تدریس در این کتاب شرح داده شده است. دومین ویژگی این است که نویسنده تلاش کرده تا در اثر خود یک برنامه متعادل برای پیشرفت مهارت‌های خواندن و نوشتاری فراهم آورد. این عمل به وسیله استفاده از یک چارچوب به نام «چهار شاخه» انجام می‌شود. این نام بدین خاطر است که در سرتاسر یک دوره آموزشی اعمال می‌شوند. این چهار شاخه عبارتند از: ورودی معنا محور، خروجی معنا محور، یادگیری زبان محور و پیشرفت روانی. در یک برنامه زبانی متعادل که هر چهار مهارت شنیداری، صحبت کردن، خواندن و نوشتن را پوشش می‌دهد، هر کدام از چهار شاخه می‌بایست تقریباً زمان یکسانی را به خود اختصاص دهند.

آموزش زبان انگلیسی و همچنین آموزش معلمان زبان انگلیسی چالش برانگیز است و در عین حال حرفه‌ای بسیار پر ثمر می‌باشد. معلمان و اساتید در نتیجه کار کردن با این کتاب می‌بایست قادر به طراحی دوره‌های آموزشی متعادل خواندن و نوشتن باشند که این دوره‌ها فراهم کننده بازه‌ای از فرصت‌ها برای یادگیری می‌باشد. وظیفه اصلی مدرس برنامه ریزی برای این مهم می‌باشد که زبان آموزان مطالب مفیدی را یاد بگیرند، بهترین شرایط را برای یادگیری مهیا کند، همچنین به صورت متعادل از فرصت‌های یادگیری استفاده کنند. این کتاب اساتید را در انجام وظایف مذکور یاری می‌رساند.

ایده‌های کتاب تا جایی که ممکن است بر اساس تحقیقات می‌باشد. این ایده‌ها در قواعدی که در انتهای فصل یک شرح داده شده است، منعکس شده و در سرتاسر کتاب به آنها رجوع شده است. ایده‌ای که ورای این قواعد می‌باشد یک ایده معقول برای دنبال کردن دقیق یک روش خاص از روش تدریس مانند روش تدریس مستقیم نمی‌باشد. تا جایی که ممکن است طراحی بر روی قواعد

تحقیق محور که می‌توانند تغییر پیدا کنند یا در شوند، همانطور که شواهد تحقیقات نوین در دسترس عموم قرار می‌گیرد، منطقی‌تر می‌باشد.

منابع

احمدی فصیح، رقیه (۱۳۸۵)، ایجاد و گسترش کتابخانه‌های آموزشی و نقش کتابخانه مدرسه در ایجاد عادت مطالعه در دانش آموزان، تهران: چاپار.

نیشن، آی. اس. پی (۱۴۰۰)، روش تدریس مهارت‌های خواندن و نوشتن در زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم و زبان خارجی، مترجم صابر کریمی و محمدجواد بلوری قهجاورستانی، تهران: اودیسه.

Ashton-Warner, S (۱۹۶۳), *Teacher*, New York: Simon and Schuster.

Bismoko, J & Nation, I.S.P (۱۹۷۴), English reading speed and the mother-tongue or national language, *RELC Journal* ۵, ۱: ۸۶-۸۹.

Glynn, T, Crooks, T, Bethune, N, Ballard, K. & Smith, J (۱۹۸۹), *Reading Recovery in Context*, Wellington: Dept of Education.

Nation, I. S. P (۱۹۸۹), Improving speaking fluency, *System* ۱۷, ۳: ۳۷۷-۳۸۴.

Nation, I. S. P (2008), *Teaching ESL/ EFL Reading and Writing*.

Rasinski, T & Hoffman, J (۲۰۰۳), Oral reading in the school literacy curriculum. *Reading Research Quarterly* ۳۸, ۴: ۵۱۰-۵۲۲. G

Simcock, M (۱۹۹۳), Developing productive vocabulary using the ask and answer technique. *Guidelines* ۱۵: ۱-۷.

Smith, J & Elley, W (۱۹۹۷), *How Children Learn to Read*. Auckland: Addison Wesley Longman.

Wong, P & McNaughton, S (۱۹۸۰), The effects of prior provision of context on the oral reading proficiency of a low progress reader, *New Zealand Journal of Educational*.